غلامحسین امیرخانی به گنجینه زنده بشری پیوست

گنجینه زنده بشری، عنوان فهرستی از بزرگان عالم هنر است که وزارتخانه میراث فرهنگی از یکی دو سال پیش آن را در پوشه میراث جاودانه ناملموس خود جای داده‌است. هر سال بر شمار نام‌های موجود در این گنجینه افزوده می‌شود و امسال و طی همین یکی دو روز گذشته اعلام شد نام استاد غلامحسین امیرخانی نیز در این فهرست جای گرفته و به عنوان گنجینه زنده بشری در خط نستعلیق ثبت و ماندگار شده است.

برداشت خرمای کبکاب در روستای جهانی دهسلم

می‌شود یک بیابان ثبت جهانی بشود و محصول خرما بدهد و خرمایش هم از باکیفیت‌ترین خرماهای کشور باشد. مثل خرمای کبکاب روستای دهسلم در منطقه بیابانی کویر لوت که چند سال پیش ثبت جهانی شد. خرمای کبکاب این روستا حالا رسیده و در حال برداشت است. نخلستان دهسلم با وسعت تقریبی ۴۰۰ هکتار در کنار دیگر جاذبه‌ها، این روستا را به یکی از مناطق ویژه گردشگری تبدیل کرده است. خرمای کبکاب نسبت به دیگر انواع خرما زودتر می‌رسد. / جام جم دیلی

تکمیلی

همه‌شیمیایی‌شده‌های سرزمین من

ایران در طول جنگ تحمیلی، ۲۵۲ بار با حدود ۶۰۰۰بمب، مورد حمله شیمیایی رژیم بعث عراق قرار گرفت. بمباران‌های شیمیایی رژیم از همان سال اول جنگ شروع شد و تا سال‌های آخر ادامه یافت؛ میدان جنگ و شهر و روستا هم سرش نمی‌شد. یک روز نشان بمب‌افکن‌های دشمن روی خاکریزها و جبهه‌های جنگ زوم می‌شد و گاهی روی روستاها و شهرهای پرجمعیت؛ از خوزستان در جنوب کشور گرفته تا آذربایجان، کرمانشاه، کردستان و.... یکی از مناطق پرجمعیتی که هدف بمب‌های شیمیایی عراقی‌ها قرار گرفت، شهر پرجمعیت سردشت در آذربایجان‌غربی بود. در این بمباران که هفتم تیرماه ۱۳۶۶ صورت گرفت، حدود ۱۳۰ نفر به شهادت رسیدند و بیش از ۸۰۰۰نفر در معرض گازهای سمی قرار گرفته و دچار مصدومیت شیمیایی شدند که بسیاری از آنها همچنان با عوارض بدخیم شیمیایی دست‌به‌گریبان هستند. درست یک‌سال و ۲۴روز بعد از حمله سردشت، یعنی صبح ۳۱ تیرماه ۱۳۶۷ استان کرمانشاه مورد اصابت بمب‌افکن‌ها قرار گرفت؛ نه یک‌بار و یک منطقه، که ده‌ها نقطه در چهار شهرستان این استان. بمب‌افکن‌های عراقی بمب‌های شیمیایی خود حاوی گازهای خردل و اعصاب را روی سر روستاهای نسار دیره، نسار دیره‌سفلی و شاهمار دیره از توابع شهرستان گیلانغرب، شیخ‌صله از توابع شهرستان ثلاث‌باباجانی، دودان از توابع شهرستان پاوه و روستای زرده از توابع شهرستان دالاهو فروریختند. بمب‌های دشمن نه‌تنها به شهادت و مجروحیت شمار زیادی از هموطنان‌مان منجر شد و عوارضی چون بیماری‌های اعصاب، سرطان، تاول‌های پوستی و سرفه‌های بی‌امان را در جسم و جان مردم نجیب این مناطق نشاند که دام‌ها، زمین‌های کشاورزی و باغات آنها را هم نابود و آب و خاک‌شان را آلوده کرد تا برای سال‌های متوالی شاهد تولد نوزادانی با انواع بیماری‌های مادرزادی باشیم.

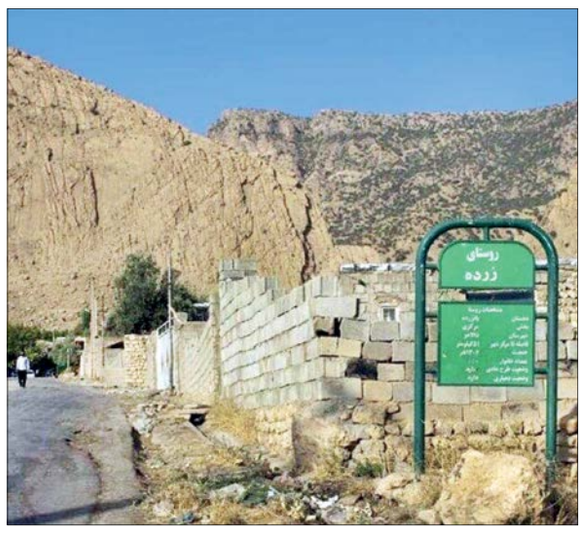

مردم زرده نمی دانستند شیمیایی یعنی چه. چیزی درباره اش نشنیده بودند... اصلا به خاطره همین بود که وقتی چشم‌هایشان سوخت، رفتند از آب سراب روستا به سرو صورت شان زدند و حالشان بدتر شد

۳۲ سال بعد از بمباران شیمیایی روستای زرده کرمانشاه، با مردمش هم‌صحبت شدیم
مردمی که هنوز شب‌ها کابوس می‌بینند

یک شهر پر از درد

روستای زرده به دهکده شیمیایی‌ها معروف شده روستایی که در یک روز ۲۷۵ نفر از مردمش یکی‌یکی جان دادند و با گذشت ۳۲ سال از حادثه بمباران شیمیایی، هنوز مردمش از عوارض این بمباران رنج می‌برند

مینا مولایی
ایران

اینجا آسمان کابوس مردم است؛ همان‌طور که صدای غرش هواپیما کوچه پس‌کوچه‌های خاکی پر از جنازه، کابوسند؛ همان‌طور که ساعت ۷ صبح، به‌خصوص که ۷صبحِ ۳۱ تیرماه باشد. کابوس، با غرش فانتوم‌های عراقی شروع شد. یك جمعه دور که آسمان آبی بود و زمین سبز و آب جاری. یك جمعه دورِ دور که مردم زرده هنوز شاد بودند. کابوس با پرنده‌هایی که یکی‌یکی روی زمین افتادند، جان‌گرفت. با ماهی‌هایی که پف کردند و آمدند روی آب رودخانه، گوسفندهایی که دهانشان کف کرد، افتادند روی زمین و مردند... کابوس زرده اما وقتی کابوس شد که آدم‌ها یکی‌یکی جان دادند؛ کنار هم، همان‌طور که دست هم را گرفته بودند برسند به یك پناهگاه؛ همان‌طور که می‌دویدند، می‌خوردند زمین، بلند می‌شدند... همان‌طور که همدیگر را صدا می‌زدند. آدم‌هایی که نمی‌دانستند بمباران شیمیایی یعنی چه؛ که بمب شیمیایی با آنها چه کار می‌کند. کابوس مردم زرده ۱۵ دقیقه بعد از بمباران شیمیایی شروع شد؛ ۳۲ سال پیش و هنوز که هنوز است زن‌های روستا وقتی دم می‌گیرند، زیر لب فقط یك چیز را تکرار می‌کنند: زرده پر از درده... پر از درده.

۵ روز بعد از پذیرش قطعنامه

کوچه پس‌کوچه‌های خاکی زرده اگر زبان داشتند در دادگاه لاهه هم شهادت می‌دادند به مظلومیت مردم زرده؛ مردمی که پنج روز بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، هدف بمب‌های شیمیایی رژیم بعث قرار گرفتند. مردمی که فکر می‌کردند که قطعنامه یعنی آتش‌بس؛ آتش اما پنج روز بعد از پذیرش قطعنامه، گُله‌گُله برسرشان بارید؛ مثل زغال که بریزد روی فرش و جابه‌جا فرش را بسوزاند... آتش از همان روز ۳۱ تیر ۶۷ یك داغ بزرگ گذاشت گوشه دل خیلی از خانواده‌ها.

حالا هر سال اولین ماه تابستان که به آخرین روزش می‌رسد، فریدون حسینی می‌ماند و یك داغ که نه کهنه می‌شود و نه تمام. فریدون ۶۸ ساله امروز، آن روزها یك جوان ۳۶ ساله بوده و بمباران را خیلی خوب یادش است؛ آن‌قدر که به ما بگوید: «آن روز قیامت بود؛ قیامت مردم زرده...» و منظورش به مردمی باشد که بعد از بمباران یکی‌یکی جان دادند. از این بمباران نصیب خانواده او، شهادت شش عضو خانواده‌اش بود؛ نزدیك‌ترین‌هایشان؛ پدر و برادرهایش: «پدرم میرحسین حسینی بود، برادرهایم شمس‌ا...، عبدا...، حسین، حیدر و نوربخش... همه‌شان همان روز بمباران شیمیایی شهید شدند.»

۳۲ سال هم که از این حادثه گذشته باشد، داغ پدر، داغ برادرها برای او کهنه نمی‌شود؛ همین است که صدایش می‌گیرد و پر از بغض می‌گوید: «من نزدیك امامزاده بابا یادگار بودم که هواپیماها آمدند. آمدن هواپیما برای ما غیرعادی نبود. ما سر راه عراقی‌ها بودیم، یك موقع‌هایی ۲۰ تا هواپیما از بالای سر روستا رد می‌شد، یك موقع‌هایی ۳۰ تا... خیلی‌وقت‌ها هم بمب می‌انداختند، اما شیمیایی نبود... ما از هواپیماها نمی‌ترسیدیم. عادت کرده بودیم به دیدنشان.»

به‌یکباره قیامت شد

هواپیماهای آن روز اما سفیر مرگ بودند: «آنها چهارتا بودند، من دیدم که از بالای سر روستا رد شدند، رفتند اما دوباره برگشتند و بمب انداختند. بعد انگار قیامت شد... چشم چشم را نمی‌دید... مردم فرار می‌کردند. هرکسی می‌خواست یك جایی پناه بگیرد. تازه آن موقع ما فکر می‌کردیم بمب معمولی است. خدا را شکر می‌کردیم که به خانه‌هایمان نخورده و جایی خراب نشده... نمی‌دانستیم که شیمیایی یعنی چه.» نه، مردم زرده نمی‌دانستند شیمیایی یعنی چه. چیزی درباره‌اش نشنیده بودند... اصلا به خاطره همین بود که وقتی چشم‌هایشان سوخت، رفتند از آب سراب روستا به سر و صورت‌شان زدند و حالشان بدتر شد: «وقتی بمباران شد من سریع یك جایی پناه گرفتم... اما وقتی بیرون آمدم انگار روز قیامت بود... همه جا پر از جنازه بود... توی کوچه‌ها مردم همین طوری افتاده بودند...»

فریدون جلوتر که رفت نزدیك خانه‌شان که رسید، چشم‌هایش سیاهی رفت، از دیدن جنازه اعضای خانواده‌اش: «همه روی زمین افتاده بودند... من همه را به تنهایی خاك کردم... آخرین نفر را سه روز بعد گذاشتم توی خاك... کسی نبود که به ما کمك کند...»

فقط ۵درصد جانبازی!

داغ این خاطره ۳۲ سال است که روی دل فریدون سنگینی می‌کند؛ همان‌طور که عوارض بمباران شیمیایی هرازچند گاهی از راه می‌رسند و نفسش را می‌بُرند: «ما خیلی مظلوم بودیم... به خیلی‌هایمان بعد از چند سال آمد و رفت ۵درصد جانبازی دادند. فقط ۵درصد... شما بیا ببین این مردم خرابی حالشان به ۵درصد می‌خورد؟»

آخرین تصویر؛ آدم‌های مُرده

چشم‌های سعدا... بعد از بمباران شیمیایی دیگر نمی‌بیند. اما چند روز مانده به بمباران، به سالگرد این اتفاق، چشم‌هایش می‌شوند دوتا گوی آتشین، گر می‌گیرند انگار و یادش می‌آورند که ۳۲سال پیش، هواپیماها که رفتند او ماند و چشم‌هایی که بینایی‌شان رفت و بدنی که تاول زد و سرخ شد. سعدا... دلش نمی‌خواهد از آن روز صحبت کند اما به اصرار ما می‌گوید که آن روزها یک پسر ۱۱ ساله بوده؛ در اوج شادابی و بازیگوشی و این اتفاق همه آینده‌اش را از او گرفته: «ما نمی‌دانستیم بمب شیمیایی زده‌اند، فقط دیدیم بمب خورد زمین و گفتیم برویم کمک کنیم... دویدیم به طرف محل اصابت بمب، عجیب بود اما دیدیم که مردم روی زمین افتاده‌اند و هیچ خونی هم نبود... باز نفهمیدم این بمب شیمیایی است، فقط دود سفید اذیت‌مان می‌کرد. بعد شنیدیم که می‌گویند بمب شیمیایی است و سرو صورت‌تان را بشویید. رفتیم سمت چشمه. نمی‌دانستیم یکی از بمب‌ها بالادست چشمه توی آب خورده و از آن بالا تا همین‌جا که روستا بود آب آلوده شده.»

سرگیجه، تهوع و سوزش چشم... شیمیایی شدن برای سعدا... با این نشانه‌ها شروع شد: «کم کم پوستم هم تاول زد... بعدتر سوی چشم‌هایم هم رفت.» حالا آخرین تصویر کنج چشم‌های همیشه تاریک او، تصویر آدم‌هاست. آدم‌های مرده. مرده‌های روی زمین.

زخم‌هایی که هنوز دهان باز می‌کنند

امید نیازی، آن روز بمباران نبود. هنوز به دنیا نیامده بود. یک‌سال بعد او به دنیا آمد و شد یکی از اهالی این روستا. او حالا یکی از اعضای شورای روستاست و در این سال‌ها کم ندیده که مردمش از عوارض شیمیایی بنالند: «اینجا هنوز خیلی‌ها از عوارض بمباران در اذیت هستند، خیلی‌ها بیماری دارند، مشکل ریوی، کلیوی زیاد است... این اصلا طبیعی نیست ما خودمان می‌دانیم که اینها به خاطر عوارض بمباران شیمیایی است؛ اما کسی به ما توجه نمی‌کند.»

حرف‌های او را مسؤول خانه بهداشت روستا هم برای ما تکرار می‌کند. جوهر حسینی، آن روز بمباران پنج‌ساله بوده ؛ شاید یک تصویر گنگ از بمباران شیمیایی در ذهنش باشد، اما تصویر واقعی جلوی چشم‌هایش، تصویر آدم‌هایی است که ناغافل مریض می‌شوند و از دنیا می‌روند . او هم به ما می‌گوید:«آمار بیماران سرطانی (سرطان خون و ریه) و کلا بیماران تنفسی در مقایسه با جمعیت مشابه در روستاهای دیگر بیشتر است. ما مشکلات دیگری هم داریم مثل سقط جنین و... اما چون تحقیقی انجام نشده، من نمی‌توانم مستقیما اینها را به بمباران شیمیایی ربط بدهم...»

با این حال مردم زرده ته دلشان مطمئن هستند هربلایی که در این سال‌ها سر اهالی روستا آمده یک‌سرش به ۳۱ تیرماه ۶۷ می‌رسد.

۲۷۵ شهید و ۱۱۴۶ مصدوم

در روستای زرده در منطقه ریجاب، در دامنه ارتفاعات دالاهو، زندگی خیلی‌ها بعد از بمباران شیمیایی سیاه شد. دودهای بدبوی سمی، ۲۷۵ نفر را همان روز بمباران با خودشان بردند. ۱۱۴۶ نفر هم بعد از بمباران زنده ماندند و شدند مصدوم شیمیایی. این آمار را شیرمحمد کرمی به ما می‌دهد؛ یکی دیگر از اهالی روستا که حالا عضو شورای زرده است. او هم می‌گوید :« در طول هشت سال دفاع مقدس روستای ما زیر توپخانه دشمن بود... اما ما وقتی که فکرش را نمی‌کردیم ضربه خوردیم، چون قطعنامه امضا شده‌بود، ما هم هیچ اطلاعاتی درباره بمب شیمیایی نداشتیم. هواپیماها که رفتند غبار توی هوا که خوابید تازه یک دود غلیظ سفید رنگ را دیدیم و یک بوی بد ... باز نمی‌دانستیم شیمیایی زده‌اند. فقط دیدیم پرنده‌ها از روی درخت‌ها می‌افتند پایین. من یادم است که رفتم چند تا از این پرنده‌ها را برداشتم که پناهشان بدهم، دیدم توی دستم جان دادند.»

او هم حالا جزو جمعیتی است که ۵درصد جانبازی نصیبش شده از این اتفاق :« روستای ما ۴۵۰ جانباز شیمیایی دارد. اما خیلی‌ها هم چون مدرک بالینی نداشتند، نتوانستند جانبازی شان را ثابت کنند. آن موقع تنگه مرصاد بسته بود و اصلا خیلی‌ها نتوانستند خودشان را به بیمارستان برسانند و تشکیل پرونده بدهند. اما در این سال‌ها عوارض شیمیایی در مردم ما کم نبوده و خانه‌ای در روستای ما نیست که دست‌کم یک عضوش از عوارض شیمیایی رنج نکشد...»

مکث

زلزله و خانه‌های ویران

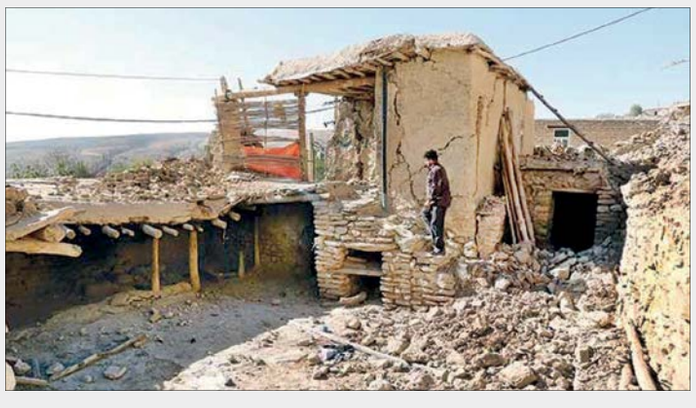

در خاطره مردم روستای زرده، ۲۱ آبان ۹۶ هم یک تاریخ ماندگار است؛ از آن روزهای تلخ که یادشان نمی‌رود؛ زلزله کرمانشاه که روستای زرده را هم لرزاند و هشت نفر را کشت، ۱۵۰ نفر را زخمی و بیشتر از ۷۰درصد خانه‌های روستا را خراب کرد. زلزله‌ای که زخم زرده‌ای‌ها را تازه‌تر کرد و شیرمحمد کرمی درباره‌اش می‌گوید:« زلزله خاطره بمباران را برای خیلی‌ها زنده کرد... باز ما جنازه دیدیم و باز مردم دست‌شان به جایی بند نبود... بعد از زلزله خانه‌های خیلی‌ها خراب شد، روزهای اول چون داروهای مردم زیر آوارها مانده‌بود، از نظر تامین دارو همگی مشکل داشتند...»

تبعات زلزله هم اما برای مردم این روستا هنوز تمام نشده‌است و کرمی در توضیح این اتفاق می‌گوید:«بعد از زلزله آمدند برای مردم ما یک روستای جدید بسازند، این خانه‌های جدید اما هنوز تکمیل نشده وهنوز تعدادی از خانواده در کانکس و چادر زندگی می‌کنند. آب آشامیدنی هم که هنوز نداریم. مردم بلاتکلیفند و نمی‌دانند کی قرار است این خانه‌ها تکمیل بشود؟!»

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۵۷۰۲

جدول عادی

افقی: ۱) مدرن - رقابت - اندک ۲) خدای یگانه در آیین زرتشت - نمک اسیداستیک ۳) شکرگزاری - اکثر - جنگ و پیکار ۴) برکت سفره - محو کردن - خبرگزاری کار ایران ۵) مدفن شهید مدرس - بازدارنده - اثر چربی ۶) خراش نامحسوس - هدیه دادن - از ملزومات خوشنویسی - ۷ F) میزبان المپیک ۲۰۱۲ - پل پیروزی - دستیار ۸) مجموعه داستانی مشهور نوشته غلامحسین ساعدی ۹) دکان شیرینی‌پزی - شاعره نامی یونان باستان - کشور نیشکر ۱۰) بله آلمانی - زادگاه خواجه‌عبدا... انصاری - سبز تیره - ضربه سر در فوتبال ۱۱) کم‌پشت - پرنده سخنگو - کامیون حمل مایعات ۱۲) ورزش گوی و اسب - فناوری نوین و در حال توسعه - پندار ۱۳) قدرت - از القاب اشرافی زنان اروپا - دو شعاع ۱۴) ترکیب فلز با اکسیژن - کارگردان مجموعه تلویزیونی افسانه هزار پایان ۱۵) جهت - نوعی سقف شیب‌دار - کاریز.

عمودی: ۱) محافظ انگشتان - قوه ابتکار - مردم ۲) صوت شگفتی - ژانری در سینما - از وسایل ورزش رزمی ۳) از حواریون - درخواست از خدا - مسیر مسابقه اسب‌دوانی ۴) لطیف - عددی دورقمی - لهجه ۵) دنباله - نمایشنامه گارسیا لورکا - ماه سرد ۶) اراده - رفوزه - اکنون ۷) شوخی - زینت دادن - بالیدن ۸) درهم آمیختن - خانه بزرگ - پایان و آخر ۹) پارچه حریر - کتاب ارزشمند شیخ کلینی، محدث و فقیه شیعی - سهل ۱۰) بنیانگذار - به رشته تحریر درآوردن - پیشوند سلب ۱۱) بله روسی - پسر حضرت اسحاق(ع) - ماجرا ۱۲) جناح لشکر - آقای گل جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه - سینی بزرگ ۱۳) سبقت گرفتن در اینجا ممنوع است - سطل چاه - جریان هوا ۱۴) پایتخت ونزوئلا - نفع و فایده - نیم‌ساعت! ۱۵) روش - فرمانروای کرمان در زمان اشکانیان - روزنامه چاپ ترکیه.

جدول ویژه

افقی: ۱) دور از شلوغی - بخشی از مغز مهره‌داران - درازگوش ۲) به باتلاق گاوخونی می‌ریزد - شهری در شهرستان نائین ۳) بنده - ذخیره کردن انرژی الکتریکی در خازن - دیوانگی ۴) پسندیده - شتر تندرو - اجر ۵) برابر - اختصاص یافته - چرك زخم ۶) نام آذری - انبازان - بنیانگذار روان‌شناسی عمومی - قریه ۷) کرم دراز و باریك انگلی - داستان بلند - ماه آخر سال ۸) کنایه از گریستن بسیار است ۹) مثل هم - صادق و بی‌ریا - ابزار اضافه قابل تعویض ۱۰) کار ناتمام! - گدازنده زر و سیم - آرام بخش - پیش درآمد آشغال ۱۱) زعفران - استانی در هند - زن ساکن صومعه ۱۲) چشمه آب معدنی دماوند تهران - سرکرده - کاه‌گل ۱۳) آویخته - فوق - آسانی ۱۴) پیش امضا - اندامکی در سلول که وظیفه آن تنفس سلولی و انتقال انرژی است ۱۵) راه شاعرانه - گروهی از جانوران بی‌مهره - پاسخ.

عمودی: ۱) فصل پاییز - تکه دوزی در خیاطی - مخترع لگاریتم ۲) نت ششم - طنز - مأمور تحقیق مسائل جنایی ۳) عامل بیماری زونا - حیران - باد غربی ۴) از اجزای درخت - پهلوان تورانی - افسار ۵) شب بسیار تاریك - الك - اجاق کیك‌پزی ۶) انتها - از نمونه‌های ابتدایی بازی‌های رایانه‌ای - صدمه ۷) رشوه دادن - قاره کریستف‌کلمب - پیروان یك پیامبر ۸) وسایل مورد نیاز - اکسید کلسیم - جایزه معتبر شعبده‌بازی ۹) رودی در لهستان - بسیار مهربان - انجمن بین‌المللی حمل‌ونقل هوایی ۱۰) پدر پینوکیو - زنان برسر کنند - کاروان ۱۱) گشاده - پیشه وران - پرنده‌ای با پرهای گرانبها ۱۲) از هفت سین - امضاء - از آلات موسیقی ۱۳) سوغات ساوه - حیله - شهری در فرانسه ۱۴) بانگ زدن از روی خشم - نوعی کاغذ نامرغوب - نشانه مفعول ۱۵) قسمت مهم و اساسی - اعتقاد به ظهور منجی - ترسناك.

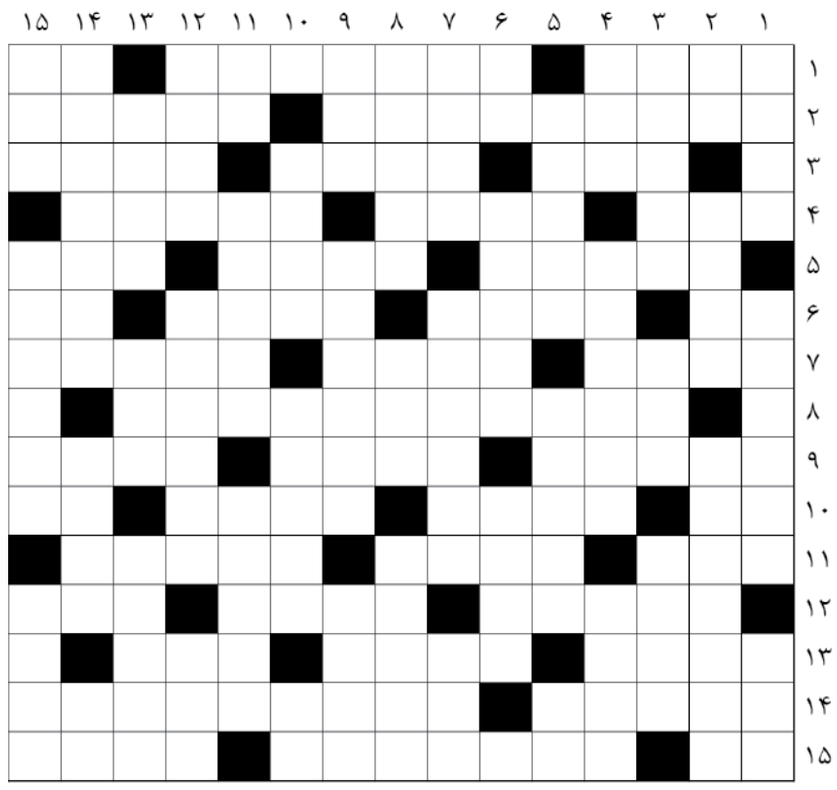

حل جدول عادی شماره ۵۷۰۱

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	ت	■	م	ر	ش	د	م	■	ف	ن	■	گ	ر	
۲	م	ر	ب	ع	■	ی	ا	س	ر	■	و	ر	د	ن	ه
۳	م	ج	ر	د	■	ا	د	ر	س	■	م	ی	م	و	ن
۴	■	ی	و	ن	ا	ن	■	د	و	ر	ن	م	ا	■	م
۵	ن	ح	ن	■	پ	ل	ا	س	م	ا	■	ا	س	ی	ا
۶	ا	■	ت	ع	ا	و	ن	ی	م	■	ق	ن	ن	ه	
۷	ن	ا	ه	ا	ر	■	ف	ر	ا	س	و	■	ج	و	ک
۸	س	و	■	د	ا	ک	ا	■	ح	س	ر	ت	■	د	ا
۹	ی	ا	ب	■	ت	ا	ل	ا	ر	■	ب	ر	ج	ی	س
۱۰	■	س	ر	ت	ی	پ	■	ب	ا	ر	ا	ن	ی	■	ک
۱۱	م	ط	ی	ع	■	ش	ب	چ	ر	ا	غ	■	پ	ی	ت
۱۲	ک	■	ب	ل	و	ن	ی	ا	■	د	ه	ک	ی	ا	
۱۳	ا	و	ر	ی	ل	■	ر	ک	ب	ی	■	ر	ا	س	و
۱۴	ت	ا	ی	م	ر	■	و	ی	ل	ا	ب	س	ی	ط	
۱۵	ب	ر	■	ی	م	ی	ن	ع	ن	ا	ن	■	ن	ن	

حل جدول ویژه شماره ۵۷۰۱

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	س	ب	■	ش	ب	و	■	ب	ا	م	س	■	ی	ن	
۲	ر	و	س	ا	■	ه	و	ت	ن	■	د	ک	ت	ر	ی
۳	س	ی	ی	ه	■	ب	ل	و	چ	■	ا	س	ل	ا	و
۴	■	چ	ک	و	ن	ه	■	ر	ا	ب	ر	ت	س	■	ت
۵	ا	ه	ن	■	ر	ا	ز	ب	ق	ا	■	ا	ک	ش	ن
۶	س	■	ا	ز	م	ن	د	ی	■	ه	ا	ن	و	ی	■
۷	پ	و	ل	ی	ش	■	و	ن	ا	ن	ه	■	پ	پ	ه
۸	ن	ت	■	ب	ا	ن	■	د	ن	و	ت	■	و	و	
۹	د	ی	س	■	م	ی	ن	ا	■	ب	ر	م	ا	ر	م
۱۰	■	ر	و	ز	ه	ا	■	ر	و	د	ن	ه	ا	■	ا
۱۱	ز	ه	ر	ا	■	ب	ر	و	د	ر	ی	■	ل	غ	ن
۱۲	ا	■	ا	م	ا	ت	و	ر	■	ا	ی	س	ن	ا	
۱۳	پ	ا	ن	ی	ذ	■	م	ی	ک	س	■	ع	ظ	ی	م
۱۴	ا	ن	ه	ا	ر	ا	ت	ن	ا	■	د	ر	د	و	
۱۵	س	د	■	د	ی	ز	ل	■	ا	ن	م	ی	■	ا	